

سه تک‌گویی

قوی‌تر، آگوست استریدبرگ
پیش از صحابه، یوحین اوییل
موبولوگ، هارولد پیتر

برگردان احمد پوری

صحنه گوسه‌ای از کافه مخصوص بانوان دو میز آهسی و یک
سمک که نامحمل روکس سده حد صدلی دور میزها فرار
دارد حاتم انگرگ سب یکی از میزها سسسه و یک بطری حالی
آنحو حلواوسب محله‌ای مصور را که بعد آن را با محله‌های
دنگرروی مرعوص می‌کند- ورو می‌رند لباس مریسی بوسنده
و کلاه به سردارد یک کف سسار طرف رانی روی میز است

حاتم ایکس [وارد می‌سود] چطوری، آمیلی عزیز؟ چی شده که شب
عیدی یگه وتنها گرفتگی این گوشه نشستی واسه
حودت؟

حاتم انگرگ محله را کناری می‌گذارد سری نکان می‌دهد و
مسعول ورو ردن محله‌ای دنگر می‌سود

حامم ایکس می دویی، ایکہ نیم شب عیدی تہایی نشستی توی کافہ ناراحتہم می کہہ، عدنام می دہ یاد شسی می افتہم کہ توی یہ عروسی، توی یکی ار رستوران های پاریس، عروس یہ گوشہ نشستہ بود و محلہ فکاهی می حوید، داماد ہم نامہموبا بیلبارد ناری می کرد؛ نا حودم گفتم اگہ ریدگی بحواد این حوری شروع شہہ آحرش قرارہ چہ حوری ناشہ درست مٹ ایہہ کہ التہہ این دو مسئلہ ناہم حیلی فرق دارن، می فہمی کہ؟

گارسون نا نک لنواں سبرکا کاو وارد می سود و آن را حلوی حامم ایکس می گذارد و حارج می سود

حامم ایکس می دویی، آملی، من معتقدم اگہ تو نا اون اردواح می کردی می توستی ریدگی بہتری داشتہ ناشی یادت می آد ار ہمون اول چقدر بہت می گفتم کوتاہ بیا، سحشش؟ حالا تو می توستی رن اون ناشی و ار حودت حوبہ داشتہ ناشی یادتہ کریسمس پارسل چقدر حوشحال بودی کہ نا پدر و مادر و نامردت رفتی تعطیلات؟ چقدر ریدگی سادہ رو ستایش می کردی و دلت می حواست ار تاثیر دست نکشی؟ بلہ، آملی عریر، داشتی یہ حوبہ و چید تا بچہ کنار فعالیت های تاثیر چیریدی بیست تو می توستی ایبا رو درک کسی

حامم انگرگ رفاری سناں می دہد کہ انگار نہ او بوہس سدہ ناسد حامم ایکس نک فاسو ار سبرکا کاو در دہان می گذارد، بعد کف حود را نار می کند و معداری ہدئہ بچہ برون می آورد

حامم ایکس ندار چیرایی رو کہ برا کوچولوہا خریدہم نشوت ندہم [عروسی را سناں می دہد] ایو نیس، مال لیہہ نیس چطوری سرشو تگون می دہ، می نیسی؟ یہ تفنگ ہم برای ماہا خریدہم [تفنگ را بہ طرف حامم انگرگ سناہ می رود و انگشش را روی ماسہ می گذارد]

حامم انگرگ رفاری حاکی ار برس سناں می دہد

حامم ایکس ترسویدمت؟ تو کہ فکر نکردی واقعاً می حوام بہت تیرانداری کم، کردی؟ می توہم نہ ہمہ کائنات قسم بحورم کہ کردی اگہ تو نہ من تیرانداری می کردی من تعجب نمی کردم نا لآخرہ ہرچی ناشہ سرراہت بودم قبول می کم ہیچ وقت نمی تویی این موضوع رو فراموش کسی، حتی اگہ تقصیرش گردن من باشہ تو ہوسر ہم حیال می کسی من کاری کردم تو رو ار تاثیر احراج کس، درستہ؟ عیرار ایہہ؟ ولی من این کارو نکردم تو ہرطور دلت می حواد حیال کن من اصلاً توی این کار دحالتی نداشتم تو ہوسر ہم معتقدی من باعث این کار شدم التہہ اصلاً برام مہم بیست